

مدل علی رابطه نقش‌گزینی اجتماعی، هوش اجتماعی و جمع‌گرایی / فردگرایی در ورزشکاران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۲

الهام ابراهیمی پرگو^۱
فریبا یزدخواستی^۲

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل علی رابطه نقش‌گزینی اجتماعی، هوش اجتماعی و جمع‌گرایی / فردگرایی در ورزشکاران بود. **روش:** پژوهش از نوع همبستگی و نمونه آماری آن شامل ۱۵۰ ورزشکار مرد بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته نقش‌گزینی اجتماعی، مقیاس هوش اجتماعی ترومسو (سیلورا، مارتین‌یوسن و داهل، ۲۰۰۱) و مقیاس فردگرایی / جمع‌گرایی اوکلند (شولروف و همکاران، ۲۰۱۱) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که نقش‌گزینی اجتماعی با در نظر گرفتن دو بعد مهارت اجتماعی و پردازش اجتماعی، اثری مستقیم بر هوش اجتماعی و هوش اجتماعی نیز رابطه مستقیمی با جمع‌گرایی و فردگرایی دارد. همچنین، نقش‌گزینی اجتماعی از طریق هوش اجتماعی اثرات غیرمستقیمی بر هر دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی داشت. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج پژوهش می‌توان گفت که ارتقای نقش‌گزینی با افزایش هوش اجتماعی همراه است و افزایش هوش اجتماعی نیز بر میزان فردگرایی و جمع‌گرایی ورزشکاران مؤثر است.

کلیدواژگان: هوش اجتماعی، نقش‌گزینی اجتماعی، فردگرایی / جمع‌گرایی، ورزشکاران

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی memo_ea86@yahoo.com

۲- استادیار گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان

Causal model of the relationship between social selection, social intelligence and collectivism/individualism Athletes

Ebrahimi Porgou, E.
Yazdkhasti, F.

Abstract

Introduction: The aim of this study is to evaluate the modeling causal relationships between social selection, social intelligence and collectivism/individualism athletes.

Methods: This research was a descriptive-correlation study. The study population included 150 male athletes who have been selected by multistage random sampling method. Researcher's questionnaires of social selection, Tromso Social Intelligence and Individualism/Collectivism Scale of Auckland were used to collect data. Data were analyzed by Pearson correlation and path analysis.

Results: The findings show that the social selection have a direct effect to social intelligence, social skills and social processes, And social intelligence is directly related to collectivism and individualism. On the other hand social intelligence have indirect effects on both collectivism /individualism. Result of this study showed that the improvement of the social selection is associated with increased intelligence social and increased of social intelligence have directly effect on individualism/collectivism.

Keywords: social intelligence, social selection, collectivism/individualism, Athletes.

مقدمه

در اکثر تعاملات اجتماعی، درک دیدگاه دیگران مهم بوده و برای روابط رشد یافته ضروری است. این امر که تکلیفی اجتماعی است در موقعیتهای اجتماعی حساس حقیقتاً پیچیده بوده و اغلب نقش‌گزینی نامیده می‌شود که اصطلاحی مربوط به توانایی استنباط دیدگاه ذهنی (شخصی) دیگران درباره شرایط اجتماعی است و معمولاً به منظور سازگار کردن تعامل فرد با اشخاص دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این توانایی، استدلال اجتماعی نوجوانان را از استدلال اجتماعی کودکان متمایز می‌سازد.

تأثیر والدین بر اجتماعی شدن فرزندان به عنوان اساس جریان اصلی نظریه‌های روان‌شناختی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، بیشتر پژوهشها در مورد رفتارهای والدین با توجه به اهمیت مسئله، در رابطه والد-کودک و نقش فرزندپروری در اجتماعی نمودن کودکان و روابط اجتماعی آنان در بزرگسالی راه‌اندازی شده است. سلمن سطوح درک بین فردی را به پنج سطح تقسیم کرد که کودک به صورت تدریجی در این سطوح رشد می‌کند. این سطوح با سطح صفر شروع می‌شود و کارکرد اجتماعی از تولد تا نوجوانی را نشان می‌دهد. او نشان داد کودکانی که در ارتباط بین فردی تجربه ناکافی دارند در سطوح پایین‌تری از شناخت اجتماعی عمل می‌کنند.

هوش اجتماعی معنی نزدیکی با مفاهیمی چون شایستگی و مهارت‌های اجتماعی و نیز اشتراک زیادی با مفاهیمی همچون هوش هیجانی و هوش بین فردی دارد. هوش اجتماعی را به عنوان توانایی همراه بودن با دیگران تعریف کرده‌اند (کیلستروم و کانتور^۱، ۲۰۰۰). کانتور و کیلستروم (۱۹۸۹) هوش اجتماعی را به عنوان پشتوانه و ذخیره دانش و آگاهی افراد در رابطه با دنیای اجتماعی بیان و نیجهولت، استاک و نیشیدا^۲ (۲۰۰۹) هوش اجتماعی را به عنوان یک توانایی ضروری برای افراد به منظور ارتباط، درک و تعامل مؤثر با دیگران تعریف کرده‌اند. هوش اجتماعی را درک بهتر از روابط بین انسانها، احساسها، افکار و رفتارها تعریف کرده‌اند. هوش اجتماعی دارای مؤلفه‌های ادراکی، تحلیلی-شناختی و رفتاری (مهارتها) می‌باشد. باهوش بودن در تجزیه و تحلیل رفتارهای اجتماعی دیگران نقش مرکزی و دوجانبه دارد، چرا که شامل توانایی شناسایی انگیزه‌ها و تله‌های شناختی مربوط به دیگران می‌باشد. به علاوه، افراد با هوش اجتماعی بالا قادر به بروز رفتار مناسب برای به دست آوردن و رسیدن به اهداف اجتماعی خواستنی خود هستند. به عنوان مثال، در موقعیتهای متضاد، هوش اجتماعی در دستیابی به یک راه‌حل مسالمت آمیز یک عنصر مفید و بارز به شمار می‌آید، از این نظر که آیا فرد پرخاشگری را انتخاب می‌کند یا آرام بودن را. انتخاب بین این دو نوع رفتار متضاد برای افراد باهوش از نظر اجتماعی، اختیاری است (بژور کوویس و استرمن، ۲۰۰۰). رفتارهای انسان به دلیل پیچیدگیهای ابعاد وجودی‌اش، متأثر از عوامل شکل‌دهنده

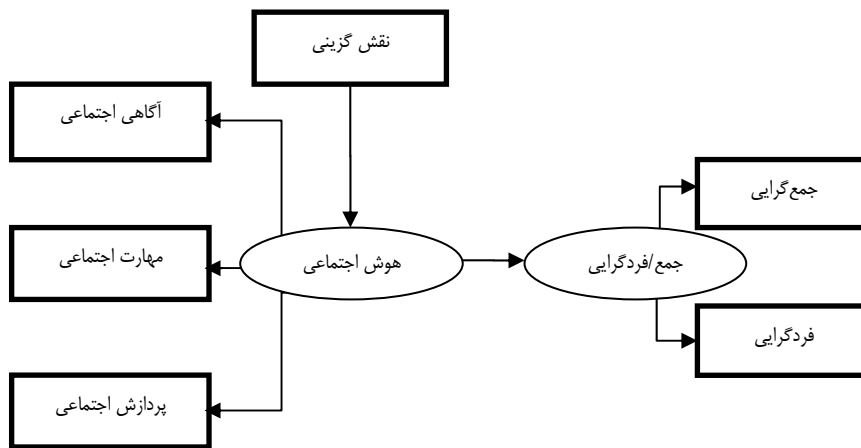
1 - Kihlstrom & Kantor

2 - Nijholt, Stuck & Nishida

بسیاری است که یکی از اساسی‌ترین آنها بافت خانوادگی و فرهنگی جامعه می‌باشد. فرهنگ، مجموعه گسترده‌ای از آداب، رسوم، قوانین و ارزشهای حاکم بر جامعه است که در طول زندگی افراد درونی می‌شود و تا حدود زیادی بر نگرشها و رفتارهای آنان تأثیر می‌گذارد. از شناخته شده‌ترین الگوهای فرهنگی، فردگرایی و جمع‌گرایی است (تریانديس^۱، ۱۹۸۸؛ به نقل از اسدی و اعتصام، ۱۳۸۵) که پژوهشهای گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. استدلال اصلی که بارزترین مشخصه فردگرایی بر اساس تعریفی که بیشتر پژوهشها ارائه داده‌اند، احترام گذاشتن به استقلال فردی است. حوزه‌های دیگر مانند دانش فردی، بی‌همتایی، محرمانه بودن، ارتباط شفاف، مسئولیت فردی، آزادی انتخاب و رقابت جویی که زیرمجموعه‌های استقلال فردی محسوب می‌شوند در کمتر از یک سوم پژوهشها دیده می‌شوند. همچنین، فردگرایان در مقایسه با جمع‌گرایان هدفهای شخصی خود را به اهداف گروهی ترجیح می‌دهند و به گروههای پراکنده و بیشتری تعلق دارند (چیو^۲، ۲۰۰۱؛ سینگلیس، تریانديس، باووک و گلفاند^۳، ۱۹۹۵؛ تریانديس، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶؛ تریانديس و گلفاند، ۱۹۹۸). نتایج برخی تحقیقات در ایران از جمله پژوهشهای نوروزی (۱۳۷۵)، اعظم‌زاده و توکلی (۱۳۸۶) نشانگر غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی است. حتی این فردگرایی را از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه ترسیم می‌کنند. اما برخی ایران را کشوری با فرهنگ جمع‌گرا می‌دانند. فردگرایی و جمع‌گرایی هر کدام می‌توانند جنبه مثبت و منفی داشته باشند. تقسیم‌بندی‌هایی همچون تقسیم‌بندی‌های افقی و عمودی نیز در این مورد وجود دارد. فردگرایی مثبت از شاخصهای توسعه یافتگی است و معطوف به خودشکوفایی و استقلال فردی است، ولی فردگرایی منفی معطوف به خودمحوری و کسب سود شخصی حتی به ضرر دیگری است (تریانديس، ۱۹۸۸؛ به نقل از اسدی و اعتصام، ۱۳۸۵). پژوهش حکیم جوادی، نیکوگفتار، دهباشی و توسلی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که رابطه معنی‌دار بین هویت قومی و فردگرایی افقی نشان از حرکت جوانان بسوی مدرنیسم دارد. در جمع‌گرایی عمودی بر هویت فردی و تقدم فرد بر جمع تأکید می‌شود، ولی در جمع‌گرایی افقی تأکید بر هماهنگی و هویت جمعی است (اسدی و اعتصام، ۱۳۸۵). همان‌طور که می‌دانیم، افزون بر نیازهای جسمانی ورزشکاران ضرورت توجه به تحول روانی- اجتماعی آنان نیز مطرح می‌شود. ورزشکاران قشری از جامعه هستند که تحولات اجتماعی و روابط بین فردی در آنها همیشه مورد توجه بوده و در این باره مطالعات زیادی انجام گرفته که تحولات اجتماعی این گروه از افراد را در مقایسه با افراد غیرورزشکار مورد بررسی قرار داده است. پژوهشهای برنان و بوسون^۴ (۱۹۹۸) موريس و سامرز^۵ (۱۹۹۵) کاکس^۶ (۱۹۹۵) نیز نشان دادند که فعالیت بدنی می‌تواند عامل مؤثری در

1 - Triandis
 2 - Chiu
 3 - Synglys, Triandis, Bavvk & Gelfand
 4 - Brennan & Bvsvn
 5 - Morris & Summers
 6 - Cox

تسریع اجتماعی شدن و تحول روانی- اجتماعی باشد (به نقل از رحیم‌زاده، ۱۳۸۲). همچنین، نتایج تحقیقات سالیوان، ترمن و سیندیک^۱ (۱۹۸۹)، کوپر (۱۹۶۷)، واربرتون (۱۹۶۷) بالاتر بودن جامعه‌طلبی و برون‌گردی ورزشکاران را نسبت به غیرورزشکاران نشان داد. علی‌رغم وجود این یافته‌ها، به دلیل رشد روزافزون فردگرایی در جوامع از جمله ایران، در میان قشر ورزشکاران شاهد ضعف در تعاون گروهی و هماهنگی گروهی هستیم، به خصوص در رشته‌های تیمی که به مشارکتهای گروهی بیشتری نیازمندند. به همین منظور، تحقیق حاضر سعی در شناسایی عوامل مؤثری دارد که می‌توانند ابعاد جهت‌گیری اجتماعی و نحوه ارتباطات ورزشکاران را تحت تأثیر قرار دهند. این پژوهش سعی در بررسی ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی ورزشکاران و تأثیر دو متغیر دیگر، یعنی نقش‌گزینی اجتماعی و هوش اجتماعی دارد. با توجه به یافته‌های پژوهشی به دست آمده، پژوهش حاضر در پی پاسخدهی به سؤالهای زیر است: آیا نقش‌گزینی اجتماعی با هوش اجتماعی رابطه مستقیم دارد؟ آیا نقش‌گزینی اجتماعی از طریق هوش اجتماعی، رابطه غیرمستقیم با فردگرایی و جمع‌گرایی دارد؟ آیا هوش اجتماعی رابطه مستقیم با فردگرایی و جمع‌گرایی دارد؟



شکل ۱: نمودار مدل مفروض رابطه بین متغیرهای پژوهش ۲

1 - Sullivan, Turman & Sindik

۲ - باتوجه به اینکه جمع‌گرایی و فردگرایی هر دو توسط یک ابزار واحد سنجیده شده‌اند و به لحاظ نظری نیز این دو ویژگی، مانع‌الجمع محسوب نمی‌شوند، در مدل حاضر، یک متغیر مکنون با عنوان مخفف جمع/ فردگرایی برای این دو متغیر به کار رفته و هر یک از دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی به عنوان متغیرهای آشکار این متغیر مکنون در نظر گرفته شدند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری آن عبارت بود از کلیه ورزشکاران مشغول به فعالیت در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۲ که ۱۵۰ نفر از آن‌ها با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

– **مقیاس هوش اجتماعی ترومسو:** این مقیاس توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) برای سنجش هوش اجتماعی تهیه شده و یک ابزار خودگزارشی است که مشتمل بر ۲۱ سؤال می‌باشد و سه حوزه هوش اجتماعی یعنی پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی را می‌سنجد. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. به این ترتیب، حداقل و حداکثر نمره حاصل از آن به ترتیب ۲۱ و ۱۴۷ خواهد بود. سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) ضرایب پایایی را برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۵۱ محاسبه شد.

– **مقیاس فردگرایی / جمع‌گرایی اوکلند:** این مقیاس توسط شولروف و همکاران (۲۰۱۱) به منظور سنجش همه جانبه ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی طراحی شده و مشتمل بر ۲۶ سؤال و ۵ عامل است، ۲ عامل مربوط به جمع‌گرایی شامل نصیحت‌پذیری از دیگران، هماهنگی با گروه و خانواده و ۳ عامل مربوط به فردگرایی شامل رقابت‌جویی، نیاز به منحصر به فرد بودن و سبک زندگی مسئولیت‌پذیر می‌باشد. سؤالات در طیف لیکرت شش گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات هر عامل از جمع نمرات سؤالات تشکیل‌دهنده آن به دست می‌آید. همچنین، نمره خرده مقیاس جمع‌گرایی از جمع نمرات عوامل نصیحت‌پذیری و هماهنگی، تقسیم بر تعداد عوامل (۲) و خرده مقیاس فردگرایی، از جمع نمرات عوامل رقابت‌جویی، منحصر به فرد بودن و مسئولیت‌پذیری، تقسیم بر تعداد عوامل (۳) به دست می‌آید.

ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) برای این پنج عامل در پژوهش شولروف و همکاران (۲۰۱۱) به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۷۸، ۰/۷۶ و ۰/۷۳ گزارش شده است. همچنین، در پژوهش شکیب (۱۳۹۰) ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) به دست آمده برای ۵ عامل مقیاس بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه شد.

– **مقیاس نقش‌گزینی اجتماعی:** این مقیاس یک پرسشنامه محقق ساخته است که با توجه به نبود پرسشنامه‌ای مناسب جهت اندازه‌گیری، اقدام به ساخت این آزمون شد. این آزمون بر اساس نظریه رابرت سلمن که درک بین فردی را در پنج سطح طبقه‌بندی می‌کند ساخته شده و شامل ۵ سؤال ۳ گزینه‌ای است که از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود رفتار و نگرش خود را بر روی

یک مقیاس سه درجه‌ای (اصلاً، تاحدودی، کاملاً) مشخص کنند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۲ به دست آمد که نشانگر پایایی نسبتاً مناسب این ابزار است. همچنین برای بررسی روایی همزمان، همبستگی بین نمرات آن با نمرات کل پرسشنامه هوش اجتماعی محاسبه شد که نتایج حاکی از همبستگی مثبت معنی‌دار بین نمرات این دو پرسشنامه بود ($P < ۰/۰۱$; $r = ۰/۲۸$) که مؤید روایی همزمان پرسشنامه نقش‌گزینی اجتماعی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی بین آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	پردازش اجتماعی	۱۸ ۳۸	۶/۰۸	-					
۲	مهارت اجتماعی	۱۸۶ ۲۶	۵/۶۰	۰/۲۲***	-				
۳	آگاهی اجتماعی	۱۴۶ ۲۸	۷/۲۶	۰/۲۶***	۰/۲۰*	-			
۴	نقش‌گزینی اجتماعی	۱۷۱ ۶	۲/۰۸	۰/۳۶***	۰/۱۷*	۰/۰۰۰۱	-		
۵	جمع‌گرایی	۱۴ ۲۳	۴/۶۳	۰/۳۶***	۰/۲۱**	۰/۰۸	۰/۲۵***	-	
۶	فردگرایی	۱۵ ۲۱	۳/۷۸	۰/۳۶***	۰/۰۸	۰/۲۰*	۰/۳۵***	۰/۴۸***	-

** $P < ۰/۰۱$ * $P < ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، از میان خرده‌مقیاس‌های هوش اجتماعی، پردازش اجتماعی دارای بیشترین میانگین (۳۸/۱۸) است. همچنین، میانگین جمع‌گرایی نیز در مقایسه با میانگین فردگرایی بالاتر است (۲۳/۴ در برابر ۲۱/۱۵).

به علاوه، نتایج همبستگی حاکی از آن است که پردازش اجتماعی با تمام متغیرها به جز آگاهی اجتماعی دارای همبستگی مثبت معنی‌دار و با متغیر آگاهی اجتماعی دارای همبستگی منفی معنی‌دار

می‌باشد. مهارت اجتماعی با تمام متغیرها به جز فردگرایی، دارای همبستگی مثبت معنی‌دار می‌باشد. آگاهی اجتماعی با پردازش اجتماعی و فردگرایی دارای همبستگی منفی معنی‌دار و با مهارت اجتماعی دارای همبستگی مثبت معنی‌دار می‌باشد. جمع‌گرایی با پردازش اجتماعی، مهارت اجتماعی و فردگرایی همبستگی مثبت معنی‌دار و با نقش‌گزینی همبستگی منفی معنی‌دار دارد. همچنین، فردگرایی نیز با پردازش اجتماعی و جمع‌گرایی همبستگی مثبت معنی‌دار و با آگاهی اجتماعی و نقش‌گزینی همبستگی منفی معنی‌دار دارد.

جهت بررسی مدل مفروض پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: اوزان رگرسیونی استاندارد مسیرهای بین متغیرهای پژوهش

خطای استاندارد	برآورد	مسیرها	نقش‌گزینی
۰/۲۲	۰/۵۵**	هوش اجتماعی	نقش‌گزینی
۰/۱۲	۰/۷۷**	جمع / فردگرایی	هوش اجتماعی
۰/۱۷	-۰/۲۳*	آگاهی اجتماعی	هوش اجتماعی
۰/۱۳	۰/۳۱**	مهارت اجتماعی	هوش اجتماعی
۰/۰۰۰۱	۰/۶۷**	پردازش اجتماعی	هوش اجتماعی
۰/۲۴	۰/۶۸**	جمع‌گرایی	جمع / فردگرایی
۰/۰۰۰۱	۰/۷۱**	جمع‌گرایی	جمع / فردگرایی

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

بر اساس نتایج جدول ۲، اوزان رگرسیونی استاندارد مربوط به کلیه مسیرهای مستقیم بین متغیرهای پژوهش معنی‌دار آمده است. بنابراین مدل مفروض پژوهش بدون حذف هیچ‌یک از مسیرها در شاخصهای برازش مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: وضعیت شاخصهای برازش برای مدل مفروض پژوهش

وضعیت مدل پژوهش	سطح قابل قبول	مقدار آماده	شاخص‌های برازش
عدم برازش	مقدار کای اسکوئر جدول	۲۷/۵۷*	CMIN
برازش ضعیف	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۸۰	NFI
برازش ضعیف	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۷۰	TLI
برازش ضعیف	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۸۴	CFI
برازش ضعیف	کوچکتر از ۰/۰۵	۰/۱۳	RMSEA

*P=۰/۰۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مدل مفروض پژوهش به شکل اولیه دارای برازش مطلوبی نمی‌باشد. بدین منظور لازم است که این مدل اصلاح شود و مجدداً در شاخصهای برازش مورد بررسی قرار گیرد. به منظور اصلاح مدل، مسیر هوش اجتماعی به آگاهی اجتماعی از مدل حذف گردید، زیرا از یکسو این مسیر دارای کمترین میزان وزن استاندارد رگرسیونی و کمترین میزان معنی‌داری نسبت به سایر مسیرها است و از سوی دیگر، همبستگی منفی این متغیر آشکار با متغیر مکنون هوش اجتماعی با مبانی مدل نظری پژوهش همخوانی ندارد. لذا این متغیر از مدل پژوهش حذف گردید و برازش مدل اصلاح شده مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ قابل ملاحظه است.

جدول ۴: وضعیت شاخصهای برازش برای مدل اصلاح شده

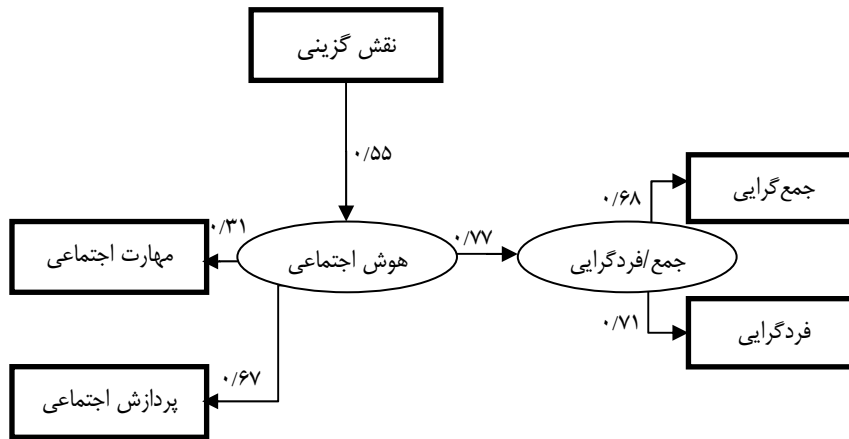
شاخص‌های برازش	مقدار آماده	سطح قابل قبول	وضعیت مدل پژوهش
CMIN	۵/۲۸*	مقدار کای اسکوئر جدول	عدم برازش
NFI	۰/۹۵	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش مطلوب
TLI	۰/۹۶	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش مطلوب
CFI	۰/۹۸	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش مطلوب
RMSEA	۰/۰۴	کوچکتر از ۰/۰۵	برازش مطلوب

*P=۰/۲۵

بر اساس نتایج جدول ۴، عدم معنی‌داری آماره خی دو، مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)، شاخص تاکر-لویز (TLI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نشانگر برازش مطلوب مدل اصلاح شده است. بنابراین، اثرات غیرمستقیم بین متغیرهای به کار رفته در مدل نیز تأیید می‌گردد. در جدول ۵، میزان اثرات غیرمستقیم استاندارد مربوط به مسیرهای غیرمستقیم مدل و در نمودار ۲ مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

جدول ۵: اثرات غیرمستقیم استاندارد مربوط به مدل اصلاح شده

مسیرها	برآورد
نقش‌گزینی	۰/۳۷
هوش اجتماعی	۰/۱۷
هوش اجتماعی	۰/۴۲
هوش اجتماعی	۰/۲۹
هوش اجتماعی	۰/۳۰
جمع / فردگرایی	۰/۵۲
جمع / فردگرایی	۰/۵۴



شکل ۲: نمودار مدل اصلاح شده رابطه بین متغیرهای پژوهش

همان‌طور که در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود، بر اساس مدل اصلاح‌شده پژوهش، نقش‌گزینی اجتماعی با در نظر گرفتن دو بعد مهارت اجتماعی و پردازش اجتماعی اثر مستقیمی بر هوش اجتماعی دارد. همچنین، هوش اجتماعی اثر مستقیمی بر جمع‌گرایی و فردگرایی و با در نظر گرفتن دو بعد جمع‌گرایی و فردگرایی به عنوان یک متغیر مکنون دارد. نتایج جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که نقش‌گزینی اجتماعی از طریق اثر مستقیم بر متغیر هوش اجتماعی، اثرات غیرمستقیمی بر متغیرهای

مهارت اجتماعی، پردازش اجتماعی و جمع‌گرایی و فردگرایی به عنوان یک متغیر مکنون دارد. به علاوه، نقش‌گزینی اجتماعی از طریق هوش اجتماعی و جمع/فردگرایی اثرات غیرمستقیمی بر هر دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی دارد. اثر غیرمستقیم نقش‌گزینی بر هر دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی مثبت است، بنابراین می‌توان گفت بر خلاف روابط همبستگی ساده بین متغیرها، نقش‌گزینی با واسطه‌گری متغیرهای هوش اجتماعی و کل جمع‌گرایی و فردگرایی به عنوان یک متغیر مکنون بر هر یک از این دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی می‌تواند به طور مستقیم و نه معکوس تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، میزان بالاتر نقش‌گزینی می‌تواند با میزان بالاتر هر دو خصیصه جمع‌گرایی و فردگرایی در افراد همراه باشد. همین وضعیت در مورد اثر غیرمستقیم هوش اجتماعی بر دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی نیز صدق می‌کند. بر اساس جدول ۵، هوش اجتماعی نیز از طریق متغیر مکنون جمع‌گرایی/فردگرایی اثرات غیرمستقیم مثبتی بر هر دو متغیر جمع‌گرایی و فردگرایی دارد. همچنین، در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که در مورد ابعاد هوش اجتماعی میزان اثر غیرمستقیم نقش‌گزینی بر متغیر پردازش اجتماعی بسیار بالاتر از متغیر مهارت اجتماعی است، اما این تفاوت در مورد ابعاد جمع‌گرایی/فردگرایی بارز نیست. در میزان اثر غیرمستقیم هوش اجتماعی بر این دو بعد نیز تفاوت بارزی دیده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل علی رابطه نقش‌گزینی اجتماعی، هوش اجتماعی و فردگرایی/جمع‌گرایی در ورزشکاران بود که نتایج پژوهش نشان داد هر سه این متغیرها با یکدیگر رابطه مستقیم و مثبت دارند. نقش‌گزینی اجتماعی اثر مستقیمی بر دو عامل از سه عامل تشکیل‌دهنده هوش اجتماعی یعنی عوامل مهارت اجتماعی و پردازش اجتماعی دارد که البته میزان تأثیر نقش‌گزینی اجتماعی بر عامل پردازش اجتماعی بالاتر از مهارت اجتماعی بود. نقش‌گزینی به صورت غیرمستقیم با فردگرایی و جمع‌گرایی ارتباط داشته و اثر این متغیر در مورد ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی تفاوت بارزی نداشت. همچنین، هوش اجتماعی به صورت مستقیم بر میزان جمع‌گرایی و فردگرایی تأثیرگذار بوده و نقش‌گزینی اجتماعی بالاتر پیش‌بینی‌کننده هوش اجتماعی بیشتر بود و هوش اجتماعی به یک میزان بر فردگرایی و جمع‌گرایی تأثیر مستقیم داشت. از طرف دیگر، نتایج همبستگی نشانگر ارتباط بیشتر هوش اجتماعی بالا با فردگرایی پایین در نمونه تحقیق حاضر بود. با توجه به روند رو به رشد فردگرایی در جامعه، گرایش به سمت خودمحوری و تمایلات فردگرایانه در این گروه (ورزشکاران) به میزان زیادی به چشم می‌خورد. این ضعف در ورزشکاران، به خصوص در رشته‌های تیمی کاملاً مشهود و مشکل‌ساز است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که مفهوم نقش‌گزینی اجتماعی از دیدگاه سلمن بیانگر چند مرحله‌ای بودن نقش‌گیری است که افراد پس از گذراندن این مراحل به توانایی اخذ دیدگاه‌های دیگران و نقش‌گیری متقابل ناآل می‌شوند. برخی افراد فقط مراحل صفر و یک و گاهی به مرحله دوم طبقه‌بندی سلمن می‌رسند و در این مرحله

تثبیت می‌شوند. این تثبیت در مراحل ابتدایی نقش‌گزینی فرد باعث شکل‌گیری دیدگاهی خودمحورانه در او می‌شود که بر میزان هوش اجتماعی یا به عبارت دیگر دانش و آگاهی فرد در مورد دنیای اجتماعی خود و ارتباط، درک و تعامل مؤثر با دیگران یعنی مفاهیم هوش اجتماعی تأثیر می‌گذارد و باعث کاهش میزان هوش اجتماعی فرد می‌شود و نهایتاً او را به سمت شاخصهای فردگرایی منفی (عمودی) سوق می‌دهد. این همان تمایلات فردگرایانه‌ای است که در ورزشکاران دیده می‌شود. همان‌طور که در تقسیمات ترباندیس (۱۹۸۸، به نقل از اسدی و اعتصام، ۱۳۸۵) عنوان شده فردگرایی و جمع‌گرایی هر کدام به سطوح افقی و عمودی تقسیم‌بندی می‌شوند. فردگرایی افقی مبین منحصر به فرد بودن در عین عدم علاقه به برجسته شدن است که شامل شاخصهایی نظیر خودباوری و خوداتکایی است و فردگرایی عمودی با شاخص رقابت و خودمحوری مشخص می‌شود. در جمع‌گرایی افقی شاخص خیرخواهی و مشارکت‌پذیری و بعد عمودی آن ایثار و یکپارچگی گروه اهمیت دارد.

تحقیقات اشتون^۱ (۲۰۰۱) نشان‌دهنده آن بود که برون‌گراها از عملکرد اجتماعی بهتری برخوردارند. با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت افراد تنها با بکارگیری شاخصهای هر دو بعد می‌توانند ارتباطی مؤثر با محیط اطراف خود داشته باشند و به مثابه انسانی متعادل با کارایی اجتماعی مطلوب در موقعیتهای مختلف زندگی عمل کنند. با توجه به نتایج که مؤید تأثیرگذاری مستقیم هوش اجتماعی بر میزان جمع‌گرایی و فردگرایی بود می‌توان اذعان داشت که با تکیه بر یک بعد نمی‌توان هوش اجتماعی را توصیف کرد. ورزشکاران نیز مانند بقیه افراد جامعه برای داشتن یک الگوی ارتباطی مناسب نیازمند کسب مهارت‌های مؤثر در بعد فردی و اجتماعی هستند. از آنجا که در ایران بیشتر بر رشد بعد فردگرایی تأکید می‌گردد، کسب تواناییها در بعد اجتماعی در گرو فرآیند صحیح نقش‌گزینی اجتماعی است که در خانواده، مدرسه و جامعه شکل می‌گیرند، رشد می‌کنند و تداوم می‌یابند. از این منظر باید فرآیند اجتماعی شدن را در این سه مقوله بررسی کرد. درحالی‌که مهمترین نهاد رسمی در اجتماعی شدن، نهادهای آموزشی و تربیتی مثل مدرسه هستند، تحقیقات در این زمینه در ایران فقط در مورد نقش خانواده انجام گرفته است، مثلاً پژوهش اکبری قمصری (۱۳۷۳). مدرسه جامعه‌ای کوچک است که کودکان در آن نحوه زندگی در جامعه‌ای گسترده‌تر را فرا می‌گیرند. پس نباید تنها به عنوان مراکز القاء حفظیات و علم آموزی صرف تلقی شوند. مدارس بایستی کانون تربیت و پرورش و رشد مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی و کمال فردی باشند، نهادی مهم و تأثیرگذار که در مهمترین دوران سنی برای اجتماعی شدن فرد می‌تواند ابزاری مؤثر جهت آموزش افراد برای زندگی اجتماعی در یک جامعه مدنی باشند. آموزش و پرورش می‌تواند فرصتهای بیشتری برای انواع فعالیتهای گروهی از جمله فعالیتهای ورزشی گروهی به منظور رشد اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آورد و «پیوند و اعتماد» را در شبکه روابط اجتماعی شکل دهد.

1 Ashton

از محدودیتهای اجرای تحقیق می‌توان به عدم همکاری مربیان باشگاهها به منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز و بررسی تک جنسیتی این پژوهش اشاره کرد که پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به منظور تعمیم هر چه بیشتر نتایج بر روی جمعیت ورزشکار، جامعه آماری از کلیت بیشتری برخوردار باشد. همچنین، توصیه می‌گردد عوامل دیگر تأثیرگذار بر میزان هوش اجتماعی و ابعاد جهت‌گیری اجتماعی افراد شناسایی شده و مورد بررسی قرار گیرند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از کلیه آزمودنیها و همکارانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

منابع

- اسدی، سیدمحمد و فرناز، اعتصام (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی دانشجویان ایرانی و آمریکایی، تازه‌های علوم شناختی، سال ۸، شماره ۱، ۱۷-۲۲
- اعظم‌آزاده، منصوره و توکلی، عاصفه (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۳، ۱۰۱-۱۲۵
- اکبری قمصری، امیر (۱۳۷۳). نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی سید ضیاء. نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی در جامعه شناسی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، ۱۳۱-۱۶۱.
- حسین زاده دهنوی، امیر (۱۳۷۲). بررسی و مقایسه شخصیت ورزشکاران رشته‌های انفرادی و گروهی، خلاصه مقالات اولین کنگره علمی ورزشی مدارس، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.
- حکیم جوادی، منصور. نیکو گفتار، منصوره. دهباشی، معصومه. توسلی، اسحاق (۱۳۹۱). رابطه فردگرایی-جمع‌گرایی افقی و عمودی با هویت قومی در زنان و مردان ترکمن، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- رحیم زاده، س (۱۳۸۲). بررسی تحول روانی اجتماعی در ورزشکاران انفرادی و گروهی در دانشجویان آزاد و اسلامی، دفتر مطالعات و تحقیقات روانشناسی و علوم تربیتی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- عابدی، احمد (۱۳۸۵). مقایسه رشد اجتماعی دانشجویان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی. رساله دکترا، دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی.

- ماسن، هنری پاول و دیگران (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسائی، تهران، نشر مرکز.
- نوروزی، فیض‌الله (۱۳۷۵). فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- Allik Juri and Anu Realo(2004). Individualism-Collectivism and Social Capital Journal of Cross-Cultural Psychology, No 35: 29-49.
- Anton Nijholt, Oliviero Stock and Toyoaki Nishida (eds) Social Intelligence Design 2007
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2001). A theoretical basis for the major dimensions of personality. *European Journal of Personality*, 15327-353
- Chiou, J.-S. (2001). Horizontal and vertical individualism and collectivism among college students in the United States Taiwan, and Argentina. *Journal of Social Psychology*, 141(5), 667-678.
- Goleman, D. (2007). *Social Intelligence: the new science of human relationships*. New York: Random House.
- Green Eva and Jean claude Deschamps(2005). Variation of Individualism and Collectivism within and between 20 Countries: A Typological Analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology* No, 36: 321-339.
- Kihlstrom, J.F., & Cantor, N. (1989). Social intelligence and personality: There's room for growth. In R.S. Wyer & T.K. Srull (Eds.), *Advances in Social Cognition*. Vol. 2 (pp. 197-214). Hillsdale, N.J.: Erlbaum.
- Mossler, Daniel G. Marvin, Robert S. Greenberg, Mark T. Conceptual perspective taking in 2- to 6-year-old children. *Developmental Psychology*, Vol 12(1), Jan 1976, 85-86.
- Singelis, T. M., Triandis, H. C., Bhawuk, D. P. S., & Gelfand, M. J. (1995). Horizontal and vertical dimensions of individualism and collectivism: A theoretical and measurement refinement. *Cross-Cultural Research*, 29(3), 240-275
- Urberg, Kathryn A. Docherty, Edward M. Development of role-taking skills in young children. *Developmental Psychology*, Vol 12(3), May 1976, 198-203.